

مدل مفهومی خطاهای شناختی در آموزه‌های قرآن کریم

Finding a Conceptual Model of Cognitive Errors in the Teachings of the Holy Quran

✍ میلاد شماخته / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

محمد رضا احمدی محمدآبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

✉ **Milad Shamakhte** / PhD student of Quran and Psychology, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran
shamakhte1997@gmail.com

Mohammed Reza Ahmadi Mohammadabadi / Associate Professor of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Abstract

Cognitive mistake is considered the basis of all human psychological abnormalities. This study aims to explore the conceptual model of cognitive mistakes in the Holy Quran using a mixed method of content analysis and quantitatively validation by experts. The findings of this research indicate that cognitive mistake consists of two components: error cognition and erroneous logic of thought: a) Superstition, superficiality, and fear of otherwise God provide the grounds for following conjecture and imagination. b) yielding to pressures, haste, and belief in vains lead to selective perception. c) Traditionalism, self-superiority, and hostility -disbelief in the realm of error cognition (the first component) pave the way for the distortion of truths. d) All components of erroneous logic of thought (following conjecture, imagination, selective perception, distortion of truths) culminate in "illogical deduction,"

چکیده

خطای شناختی اساس همه ناپهنجاری‌های روانی انسان تلقی می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف استکشاف مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم به روش ترکیبی تفسیر موضوعی و روایی-سنجی از متخصصان صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد خطای شناختی از دو مؤلفه شناخت خطا و منطق فکری خطاساز تشکیل یافته است: الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا زمینه پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی را فراهم می‌آورد؛ ب) هرزباوری، جوپذیری و شتاب‌زدگی منجر به برخورد گزینشی می‌شود؛ ج) سنت‌گرایی، خودبرتربینی و عناد - حق‌ناباوری در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه تحریف حقایق را فراهم می‌آورد؛ د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قیاس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است. یافته‌های

which is the central factor of cognitive error in the Holy Quran. The quantitative study findings showed that the CVI index for sub-components ranged from 0.88 to 1, and the CVR index for sub-components ranged from 0.78 to 1. Therefore, cognitive mistake in the Holy Quran has a conceptual model with content validity that can be measured through a tool constructed.

Key words: cognitive errors, conceptual model, erroneous logic of thought, interpretation, interpretive narrations.

مطالعه کمی نشان داد که میزان شاخص CVI در زیرمؤلفه‌ها در دامنه ۰/۸۸ تا ۱ و میزان شاخص CVR در زیرمؤلفه‌ها در دامنه ۰/۷۸ تا ۱ است. بنابراین خطای شناختی در قرآن کریم مدل مفهومی و برخوردار از روایی محتوایی است که قابلیت سنجش در قالب ساخت ابزار را دارد.

کلیدواژه‌ها: خطاهای شناختی، مدل مفهومی، منطق فکری خطاساز، قرآن کریم، تفسیر.

مقدمه

معرفت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت زندگی است. ناآگاهی و آگاهی ناصحیح، انسان را در تحلیل درست وقایع محیط پیرامون دچار لغزش می‌کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افراد جامعه تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند زندگی انسان را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای داشتن یک زندگی مطلوب باید از تحریف اطلاعات جلوگیری نمود (الیس، ۱۹۷۳، به نقل از: پروچسکا، ۱۳۹۰، ص ۹۰). وقتی تفکر و رفتار آدمی عاقلانه باشد، موجودی کارآمد، شادمان، سرزنده و توانا خواهد بود؛ پس می‌توان گفت هر انسانی با اندیشه و افکار خود، زندگی‌اش را می‌سازد و جهت می‌دهد. وقتی حادثه‌ای برای فرد اتفاق می‌افتد، او بر اساس تمایلات درونی و ذاتی خود ممکن است برداشت متفاوت و متضاد از آن حادثه و رویداد داشته باشد (الیس، ۱۹۷۳، ص ۶۵)، یکی افکار، عقاید و باورهای منطقی و عقلانی و دیگری افکار، عقاید و برداشت‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی. در حالتی که فرد تابع افکار و عقاید عقلانی و منطقی باشد، به عواقب و نتایج منطقی دست خواهد یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت، اما در حالتی که فرد تحت‌تأثیر و دستخوش افکار و عقاید غیرمنطقی قرار می‌گیرد، با عواقب و نتایج غیرمنطقی و غیرعقلانی مواجه خواهد شد. در این حالت، فردی است مضطرب و ناراحت که شخصیت ناسالمی دارد (پروچسکا، ۱۳۹۰). خطاهای شناختی یعنی تفکر به شیوه جزمی و توأم با افکار غلط و غیرعقلانی که نتیجه آن اضطراب و افسردگی و مشکل در روابط بین فردی است، نیز باعث تغییر در احساسات فرد شده و باعث ایجاد زمینه‌های تنشی می‌شود (الیس، به نقل از: لیهی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). این خطاها توسط بک (۱۹۹۷) و الیس (۱۹۷۳) شناسایی شدند که در آن علل مشکلات روانی را وجود نوعی از این خطاها می‌دانند. آخرین یافته‌ها هم مبتنی بر تحقیقات بک (۱۹۹۹)

در کتاب *شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن* به نگارش درآمده و در حال بررسی خطاهایی هستند که باعث ایجاد انحراف در فکر فرد شده و بر زندگی روزمزه او تأثیر می‌گذارد (حمیدپور، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰). نسخه‌های شفابخش اسلام ضامن سعادت دنیوی و اخروی زندگی بشر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵). قرآن و روایات با عبارات مختلف، به موضوعاتی نظیر شناخت و اصلاح باور و معرفت صحیح می‌پردازند و بر نقش شناخت بر رفتار تأکید می‌کنند (غروی، ۱۳۸۶). قرآن کریم علاوه بر اینکه به امکان خطا در شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند «ادراک سراب به جای آب» (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی از نشانه‌های حسی را ندارند، در زمره غافلان برشمرده، درباره آنها می‌فرماید: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]یی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱). افزون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی بشر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵)، و سطحی‌نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که «(برخی) گمان می‌کنند هیچ‌کس آنها را نمی‌بیند» (بلد: ۷).

در بررسی ادبیات پژوهشی یافته‌ها حاکی از آن است که مفهوم خطای شناختی در یک جمله عبارت است از: «افکاری که به‌صورت خودکار پدید می‌آیند و حالت منفی دارند، با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و قضاوت‌های ناصحیح برای انسان رقم می‌زنند» (یک، ۱۹۹۷، ص ۱۱۲). این افکار، به دلیل تشابهی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند و اصطلاحاً به آنها «خطاهای شناختی» اطلاق می‌شود. در تمام صور خطاهای شناختی، انسان‌ها ذهن دیگران را می‌خوانند و تلاش می‌کنند احساسات و عقاید آنها را حدس بزنند. به حدس خود اعتماد و اعتقاد کامل دارند. این درحالی است که توانایی حدس قطعی را ندارند. این خطاها عامل کلیدی تعارضات و ایجاد تنش در روابط انسانی است (فتی و موتابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰).

با تتبعی در منابع تحقیقاتی، پژوهشی در حوزه خطاهای شناختی در قرآن کریم یافته‌هایی مشاهده گردید؛ از جمله مطالعه رحیمی‌زاده (۱۳۹۷) که جلوه‌گر سهم بالای شناخت و معرفت‌های بشر، در پیشرفت معنوی و تکامل اجتهادی

در نگاه وحی است. شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده (۱۳۹۳) میزان اثر تحریفات شناختی بر تعارضات میان‌فردی را بررسی کرده‌اند. چراغچی (۱۳۹۲) به بررسی تطبیقی باورهای غیرمنطقی در اسلام و روان‌شناسی پرداخته و بیان کرده که در بحث باورهای غیرمنطقی شباهت‌های زیادی بین یافته‌های دینی و روان‌شناسی معاصر است؛ لکن در محتوای پژوهش‌های مذکور «مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم» ارائه نشده است.

بر این اساس با توجه به فقدان مدل منسجم مبتنی بر مبانی اسلامی در فرایند شناسایی خطاهای شناختی در نگاه قرآن کریم و همسو بودن مفهوم این مسئله با برخی مفاهیم دانش روان‌شناسی، و نیز در نظر گرفتن آثار متعدد آموزه‌های دینی در درمان‌های شناختی، برآنیم که در قالب مدل مفهومی خطاهای شناختی را در قرآن کریم مورد پژوهش قرار دهیم؛ چراکه ضرورت مفهوم‌سازی مدون درخصوص پدیده‌های دینی از دیرباز مورد تأکید اندیشمندانی همچون اتو^۱ قرار گرفته است (وولف، ۱۳۸۶) که دستیابی به آن، از طریق ارائه مدل مفهومی مقدور است. منظور از «مدل» نمایش گرافیکی، یا نوع دیگری از نمایش یک مفهوم، یا فرایندهای رفتاری پایه یا بدنی است که برای اهداف تحقیقاتی مختلف؛ مانند افزایش آگاهی از یک مفهوم، ارائه فرضیه‌ها، نشان دادن روابط یا شناسایی الگوهای تخصصی به کار گرفته می‌شود (دلاور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱). ازاین‌رو منظور از مدل مفهومی «خطاهای شناختی در قرآن کریم» کشف مجموعه‌ای از متغیرها که در شکل‌گیری باور ناکارآمد و خطاساز دخیل هستند. ازآنجا که سازه‌های نظری، مشاهده‌ناپذیرند، تنها کاری که می‌توان انجام داد بررسی روایی روابط موضوعه (مفروض) آنهاست (هومن، ۱۳۹۰، ص ۷۰). بر این اساس علاوه بر آنچه گفته شد، این مطالعه درصدد است تا میزان روایی ساختار سازه خطاهای شناختی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم را بسنجد و درصدد پاسخگویی به این سؤالات برآید: مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم چه مؤلفه‌هایی دارد و میزان روایی محتوای آن چقدر است؟

روش پژوهش

روش پژوهش در زمره طرح‌های ترکیبی از نوع اکتشافی قرار دارد؛ ازاین‌رو محقق در مطالعه کیفی از روش تفسیر موضوعی (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۱۲) با تمرکز بر توصیف و تحلیل استفاده می‌کند. بدین منظور برای دستیابی به مدل مفهومی خطاهای شناختی، با استفاده از گزاره‌های موجود در آیات و تفاسیر و روایات تفسیری، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر خطای شناختی آنها استخراج و سپس مدلی گرافیکی از مفهوم خطای شناختی طراحی می‌شود. جامعه متنی پژوهش، قرآن کریم اعم از آیات قرآن کریم و تفاسیر روایات تفسیری معتبر است که به صورت هدفمند انتخاب شد. در مطالعه کمی برای دستیابی به روایی محتوا، از روش مراجعه به نظرات کارشناسان خبره استفاده شد. در این مطالعه، جامعه انسانی تمام پژوهشگران حوزوی دکتری در رشته‌های علوم انسانی است و با روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰ نفر از آنها انتخاب شد. بدین منظور از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد.

۱. یافته‌های پژوهش

محقق سعی نموده منابع دینی را با تأکید بر محتواهای قرآنی، در زمینه برخی مؤلفه‌های شناخت درمانگری مثل باورهای غیرمنطقی^۱ و خطاهای شناختی^۲ با بررسی قریب سه هزار آیه مرتبط با شناخت و نیز نگاهی به روایات تفسیری معصومین^۳ استخراج کند. در مطالعه کیفی، با تتبع گزاره‌های توصیفی خطاهای شناختی برآمده از نگاه منابع دینی دارای دو مؤلفه شناخت خطا و منطق فکری خطاساز است، که تبیین هریک از آنها با ارائه مستندات متنی ارائه می‌گردد.

۱-۱. مؤلفه شناخت خطا

شناخت خطا از هشت ویژگی خرافه‌گرایی، وابستگی به غیرخدا، هرزباوری، جوپذیری، شتاب‌زدگی، عناد و روحیه حق‌ناپذیری سنت‌گرایی و خودبرتربینی، به‌دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های مزبور ارائه می‌شود.

۱-۱-۱. خرافه‌گرایی

قرآن کریم با اشاره به آسیب و آفت خرافه‌گرایی در شناخت (معادی‌خواه، ۱۳۷۸، ص ۵۴۸)، آن را عامل رواج بدعت‌ها و افتراها در جامعه کفرپیشگان جاهلی می‌داند، و از جمله مصادیق این بدعت‌ها و باورهای خرافی، حرام کردن چهار نوع از حیوانات اهلی (مائده: ۱۰۳)، قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای بت‌ها (انعام: ۱۳۶)، قربانی کردن کودکان برای بت‌ها و افتخار به آن (انعام: ۱۳۷) را ذکر کرده است. پیامبر اسلام^ص بر دوری از تطیر و تفأل و دوری از خرافه‌گرایی تأکید می‌ورزند و می‌فرماید: «إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ وَإِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ وَإِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبْغِ»؛ هنگامی که فال بد زدی، بگذر و چون گمان بردی، بر اساس آن داوری مکن و آنگاه که حسد بردی، تجاوز مکن. حدیث دیگری در باب نهی از آویختن اشیای جادویی برای مصونیت از مشکلات آمده است: «سنگ‌ها، سود و زبانی - برای شما - ندارند» (بخاری، ۱۴۳۲ق، ص ۲۱۵۹). پیامبر اکرم^ص آویختن این اشیاء را با روح خداپرستی ناسازگار و نوعی شرک می‌دانست و می‌فرمود: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»؛ همانا هرکس تمیمه^۳ آویزان کند، شرک ورزیده است (طریحی، ۱۴۴۰ق، ج ۶، ص ۲۲). همچنین افروختن آتش برای باریدن باران، یکی دیگر از کارهای خرافی و بی‌اساس مردم جاهلی بود که پیامبر اکرم^ص با کندن چاه و قنات و

1. Irrational beliefs

2. Cognitive errors

۳. تمیمه: نظر قربانی

احیای زمین‌های بایر، آنها را از این کج‌اندیشی نجات داد و به آنان فهماند که برای هر معلولی، علتی وجود دارد و آنجا که علل مادی یافت نمی‌شود، از راه توسل و نماز استسقا می‌توانند مشکل خود را حل کنند. در زمان پیامبر اکرم علیه السلام گروهی از مردم از کمی باران و خشکسالی به ستوه آمده بودند، از حضرت خواستند که دعا کند. رسول اکرم علیه السلام به آنان گفت: زیر آسمان دعا کنید و نماز استسقا بخوانید! و حضرت دعا می‌کرد و مردم آمین می‌گفتند، تا زمانی که دعایش مستجاب شد (فیض کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۳۱). در نگاه این روایات، خرافه‌گرایی یکی از خطاهای شناختی انسان‌ها تلقی شده است؛ چراکه علامه طباطبایی در *المیزان* معتقد است که خرافه‌گرایی، هم عقل نظری و هم عقل عملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و قضاوت‌های انسان را خط‌آلود می‌کند، از نگاه علامه طباطبایی بهتر است برای تبیین خطاساز بودن خرافه‌گرایی در زندگی بشر، ارکان آن ذکر شود تا تبیین جامع، مانع و واضح باشد. به این ترتیب:

۱. شخص خرافاتی که دارای منطق فکری خطاساز می‌شود؛ ۲. شیء مورد خرافات و رابطه علت و معلولی آن با پدیده‌های دیگر که خطا در اسنادها را رقم می‌زند؛ ۳. حکم‌کننده به خرافه بودن آن، که عبارت است از عقل و نقل مبتنی بر علم و دین (یعنی نادیده گرفتن واقعیت)؛ ۴. عوامل پیدایش خرافه که ترس یا جهل بسیط یا جهل مرکب و خطای در برداشت‌ها و تفسیرها و نگاه‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۶).

۱-۱-۲. حس‌زدگی و سطحی‌نگری

قرآن کریم علاوه بر اینکه به امکان خطا در شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند ادراک سراب به جای آب (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی، از نشانه‌های حسی را ندارند در زمره غافلان برشمرده، درباره آنها می‌فرماید: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]یی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱-۳۵۱). افزون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی بشر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵) و سطحی‌نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که: «(برخی) گمان می‌کنند هیچ‌کس آنها را نمی‌بیند» (بلد: ۷)، و هیچ محاسبه و نظاره‌ای را مافوق خود نمی‌بینند. و گروهی در عین طمع رسیدن به سعادت ابدی، با محاسبه جاهلانۀ خود، به ادعای ایمان قناعت ورزیده، آرزوی زندگی بدون ورود در آزمایش‌ها، سختی‌ها و ناگواری‌ها را دارند (عنکبوت: ۲).

۱-۳-۱. ترس از غیرخدا، وابستگی به غیرخدا

واتسون^۱ ترس را یکی از سه هیجان فطری می‌داند. درست است که ترس یک نوع هیجان تلقی می‌گردد، لکن در این نوشتار بعد شناختی و معرفتی آن مدنظر است؛ چراکه ارسطو^۲ ترس را ناشی از برداشت فرد از جهان بیرونی و مرتبط با احساس درد و لذت می‌داند (استرنبرگ، ۲۰۰۳). ترس دارای چهار مؤلفه: ۱. شناختی (انتظار خطر، افکار، باورها)؛ ۲. بدنی (رنگ‌پریدگی پوست، تنیدگی عضلات، چهرهٔ بیمناک، تند شدن ضربان قلب، گشاد شدن رگ‌ها، عرق کردن، توقف ترشح اسید معده، فقدان کنترل مثانه، کاهش ترشح بزاق و خشکی دهان، آزاد شدن کربوهیدرات از کبد)؛ ۳. هیجانی (احساس دلهره، احساس مور مور شدن)؛ ۴. رفتاری (فرار، اجتناب، میخکوب شدن، پرخاشگری) می‌باشد. مؤلفهٔ شناختی ترس، انتظار خطری واضح و به‌خصوص است (روزنهان و سلیگمن، ۱۹۹۵)، اما همین ترس در ابتدا می‌تواند قضاوت‌های انسان را به چالش کشیده و او را دچار خطا کند. قرآن کریم در زمینهٔ ترس از غیرخدا که از دیگر لغزشگاه‌های اندیشهٔ بشر است (در جریان تغییر قبله)، می‌فرماید: «... از آنها ترسید! و (تنها) از من بترسید!» (بقره: ۱۵۰) و نیز آیهٔ ۱۶۵ سورهٔ بقره، نشانگر اوج وابستگی مشرکان به غیرخداست. به‌اتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیرخدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند و این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشد و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مَطاعی می‌شود؛ چون اطاعت غیرخدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶). خداوند متعال در تحلیل و تبیین علت عدم تعادل روانی افراد به این نکته اشاره می‌کند که ترس از حوادث ناگوار و آینده‌ای تلخ موجب می‌شود تا افراد اجتماع از حالت تعادل روانی خارج شده و تصمیماتی بگیرند که از اعتدال خارج است (احزاب: ۱۰-۱۱). از نظر آموزه‌های قرآن کریم کسانی که دل و قلب و ذهن خویش را به‌جای خدا میزبان افکار و اندیشه‌های غیر می‌کنند و در یک جنگ روانی در اثر ترس از او، گرفتار انفعال در شناخت صحیح و وادادگی و خطا در محاسبه‌ها می‌شوند، اینها نه تنها از ولایت الهی خارج می‌شوند؛ بلکه تحت ولایت طاغوت و اهداف پلید آن قرار می‌گیرند. این افراد روزبه‌روز مبتنی‌بر افکار خطا، منفعلانه عمل می‌کنند؛ زیرا دشمنانی چون شیطان تنها از طریق حربۀ «ارعاب و ترس و خوف» است که می‌تواند ولایت شیطانی و طاغوتی خویش را حفظ کند؛ از این‌رو اینان همواره از سوی غیرخدا مورد تهدید قرار می‌گیرند تا بیش از پیش در خدمت شیطان و اهداف ولایت طاغوتی آن باشند (آل عمران:

1. Watson

2. Aristotle

۱۷۵-۱۷۶). از این آیات به دست می‌آید که شیطان مؤمنان را از کافرانی که تحت ولایت او هستند می‌ترساند تا این گونه اهدافش نیز پیش برود (فخر رازی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۹۰).

۴-۱-۱. شایعه‌پذیری و هرزباوری

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند...» (نساء: ۸۳). علاوه بر این امامان معصوم علیهم‌السلام نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سوره اسراء استناد می‌فرمودند (عروسی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰): «و لیس لك ان تسمع ما شئت لان الله يقول: ان السمع و البصر...»؛ تو آزاد نیستی به هر سخنی که دلت بدان تمایل دارد، گوش فرادهی؛ زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «گوش و چشم و... مسئولیت دارند» (اسراء: ۳۶). هریک از ابزار ادراکی، اعم از حس ظاهر - سمع و بصر و... - و حس باطن - عقل و اندیشه و... - حجت الهی‌اند و آدمی با در اختیار داشتن چنین ابزاری مسئول است و باید در صراط صحیح گام بردارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۹۴). در خطبه ۷۸ نهج البلاغه می‌خوانیم: «فدع ما لاتعرف فان شرار الناس طائرون اليك باقاوليل السوء»؛ از نقل مطالبی که درباره آن اطلاع کافی ندارید پرهیز کن؛ زیرا اشرار، مطالب بی‌اساس یعنی شایعات را علیه من به گوش شما می‌رسانند. انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنانچه امام جواد علیه‌السلام فرمودند: «من اصغى الى ناطق فقد عبده»؛ کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارد چنان است که او را می‌پرستد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴).

۴-۱-۲. پیروی از اکثریت، تأثیرپذیری از قضاوت دیگران

در قرآن کریم جوپذیری و تبعیت ناآگاهانه از اکثریت، از آفات و خطاهای شناخت است. تصمیم اکثریت گمراه، نمی‌تواند ملاک درستی برای تصمیم‌گیری باشد. برای نمونه می‌فرماید: «و تو ای رسول، اگر از اکثر مردم روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از پی ظن و گمان نمی‌روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند» (انعام: ۱۱۶). امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «در راه حق و هدایت، از کم بودن همراه نهراسید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱). بنابراین در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم درباره انسان نباید برای او ملاک باشد و نباید تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶). قرآن کریم در آیه ۷ سوره توبه مؤمنان را موظف می‌کند که در مسیر کمالی خویش و پابندی به هنجارهای اجتماعی، رو به شناخت صحیح و التزام به آن بیاورند

و خطا در شناخت را در عدم پایداری و تکیه بر قضاوت‌های دیگران معرفی می‌کند. اگر در این آیه با توجه به هنجارهای پسندیده عقلایی اجتماعی سخن از استقامت و پایداری و وفای به عهد و پیمان‌ها حتی نسبت به کافران و مشرکان سخن رفته است، در آیه ۱۰۴ سوره نساء نیز بر ارزشمندی و اهمیت پایداری و استقامت بر ایمان تأکید شده است که بیانگر این نکته است که پایداری و استقامت در همه حوزه‌های کمالی؛ از جمله شناخت کارآمد و معرفت صحیح از باورهای راستین و رفتارها و کردارهای اجتماعی موافق اصول عقلانی و شرعی امری پسندیده؛ بلکه واجب از نظر شرعی است و تأثیرپذیری از قضاوت‌های دیگران نوعی خطای شناختی است. قرآن کریم در آیات متعدد، این آسیب و لغزشگاه اندیشه بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را ترویج نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده‌اید، نپذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۰). قرآن از احیا و فراخوانی روش نیاکان نابخرد و گمراه، با عنوان «اجابت دعوت شیطان» و «دعوت به آتش» (لقمان: ۲۱) تعبیر فرموده و این تعبیری حقیقی است، نه مجازی (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۵۵۷-۵۵۸). تقلید از نوع گذشته‌گرایی، ارتجاع، تبعیت از عقاید، اخلاق و رفتار گذشتگان و جمود در اصول پیش ساخته آنان، از آن جهت ممنوع است که پایه عقلایی صحیح نداشته باشند و فقط از آن جهت پذیرفته شود که سال‌ها یا قرن‌ها بر آن عقاید گذشته است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸).

۱-۱-۶. عجله و شتاب‌زدگی

در قرآن کریم عجله و شتاب‌زدگی از آفات شناخت و مانع فهم سود و زیان خویش است. قرآن شتاب‌زدگی در اندیشه را یکی از علل انحطاط می‌داند؛ زیرا درک صحیح و قدرت تشخیص حق از باطل را از انسان می‌گیرد تا جایی که بدی را نیکی و بدبختی را خوشبختی و بیراهه را راه مستقیم می‌پندارد: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱). امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأدیب فرمود: یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سوره اعراف فرمود: "تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آن را تصدیق نکنند" (شتاب‌زدگی در تصدیق) و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سوره یونس فرمود: "تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند آن را رد و نفی نکنند" (شتاب‌زدگی در انکار)» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹). شتاب‌زدگی انسان را از فکر و اندیشه کافی و کارآمد بازمی‌دارد و او را به‌سوی لغزش می‌کشانند. اگر در عرف جامعه مشهور است که «عجله کار شیطان است»، مستند دینی دارد. شاید از آنجاکه شیطان انسان را به‌سوی افکار خطا و اشتباه می‌کشانند، چنین عملی به شیطان که مظهر زشتی‌هاست، نسبت داده شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْأَنَاةُ مِنَ اللَّهِ، وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ درنگ از (صفات) خداست و شتاب‌کاری از

(صفات) شیطان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همیشه همراه با آرامش و درنگ، سلامت (از خطا و لغزش) است و همراه شتاب‌زدگی، پشیمانی» (صدوق، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۰).

۱-۱-۷. روحیه خودبرتربینی

از نظر قرآن کریم اصلاح خود به همراه ایمان، رهایی از ترس و غمگینی را به دنبال دارد (انعام: ۴۸؛ مائده: ۶۹). خودبرتربینی معرفت را ناقص و قوه تفکر را ضعیف می‌کند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «ما دخل قلب امرء شیء من الکبر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلک! قل ذلک او کثر»؛ در قلب هیچ انسانی چیزی از کبر وارد نمی‌شود، مگر اینکه به همان اندازه از عقلش کاسته خواهد شد، کم باشد یا زیاد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۷۵، ص ۱۸۶). روحیه خودبرتربینی موجب کور شدن انسان و ندیدن حقیقت می‌گردد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مسکین بن آدم مکتوم الاجل، مکنون العلل، محفوظ العمل، تؤلمه البقة و تقتله الشرقة، و تتنه العرقه»؛ بیچاره فرزند آدم، سرآمد زندگیش نامعلوم، عوامل بیماریش ناپیدا و کردارش (نزد خدا و در نامه اعمالش) محفوظ است، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، مختصر آبی یا غذایی گلوگیرش می‌شود و او را می‌کشد و مختصر عرقی او را متعفن و بدبو می‌سازد! (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۱۹). آیا با این حال سزاوار است خود را بزرگ ببیند و به دیگری فخرفروشی کند؟

امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه عامل اصلی انحراف ابلیس را خطای شناختی او که ریشه در خودبرتربینی دارد معرفی می‌نماید (نهج البلاغه، خطبه ۷۲). به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه این امر شاید به خاطر آن بوده که اگر بدون مقدمه چنین دستوری به فرشتگان داده می‌شد، تعجب می‌کردند و شاید در اطاعت این فرمان سست می‌شدند، ولی خداوند از قبل، آنها را برای این امر آماده کرد تا نشان دهد اوامر مهم باید با مقدمه‌چینی‌های لازم صورت گیرد؛ سپس انگیزه مخالفت ابلیس را چنین بیان می‌فرماید: «اعترته الحمیه^۱ و غلبت علیه الشقوة و تعزز بخلفة النار واستوهن خلق الصلصال» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ خشم و غضب و کبر و نخوت او را فراگرفت و شقاوت و بدبختی بر وی غلبه کرد، به آفرینش خود از آتش افتخار نمود و خلقت آدم را از گل خشکیده، سبک شمرد و دچار خطا در شناخت راه صحیح شد. منظور از شقاوت در اینجا همان موانع درونی و صفات رذیله‌ای است که با روحیه خودبرتربینی در شناخت‌های غلط شیطان وجود داشت.

۱. «حمیه» از ماده «حَمَى» (بر وزن نهی) در اصل به معنای حرارتی است که از آفتاب و آتش و مواد دیگر و یا از درون بدن انسان تولید می‌شود و گاه از قوه غضبیه تعبیر به «حمیت» می‌کنند؛ چراکه در آن حالت انسان برافروخته و داغ می‌شود و به حالت تب که مایه گرمی بدن است «حَمَى» گفته می‌شود.

۱-۱-۸. عناد و روحیه حق‌ناپذیری

قرآن کریم درباره این مؤلفه شناختی می‌فرماید: «کسی که روی خود را تسلیم خدا - حق - کند، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند» (بقره: ۱۱۲)؛ یعنی تصمیمات موفقیت‌آمیز و باورهای منطقی در پرتو روحیه حق‌پذیری و تسلیم حق بودن میسر است و عناد انسان را به بی‌راهه فکری می‌کشاند. پس از اینکه آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد)، خداوند توبه‌پذیر و مهربان توبه او را پذیرفت (بقره: ۳۷) و فرمود: «... هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند» (بقره: ۳۸). در نهج البلاغه آمده است که: «للاجابة تسل الرای»؛ لجاجت - حق‌ناپذیری - آرای انسان را سست و او را به خطا می‌افکند (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۷۹)، و نیز از همان حضرت آمده است: «لیس للجوج تدبیر»؛ لجوج مدیریت و تدبیر ندارد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۹).

۱-۲. مؤلفه منطق فکری خطاساز

بر اساس مستندات ارائه شده، دومین مؤلفه خطاهای شناختی در قرآن کریم، منطق فکری خطاساز است. این مؤلفه نیز از پنج ویژگی پیروی از ظن و گمان، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، ناپرهیزگاری، تحریف حقایق و قیاس نابجا یا غیرمنطقی به‌دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های گفته شده ارائه می‌گردد.

۱-۲-۱. پیروی از ظن و گمان (ناکافی بودن مدارک)

قرآن کریم پیروی از حدس، گمان و تخمین را حق‌نما ندانسته (یونس: ۳۶). در ردیف پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳) علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۳ سوره نجم می‌فرماید: «حق یعنی حقیقت و معرفت صحیح، و اتخاذ به ظن یعنی تصمیم‌گیری بدون مجوز و مدرک لازم» (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص ۶۴). بنابراین اتخاذ به ظن و گمان، نوعی خطای شناختی تلقی می‌گردد و عامل آسیب‌های بزرگی در مسیر تصمیم‌گیری فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۶). اندیشه صحیح، مدارکی یقینی لازم دارد، پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۱۶). در روایتی از امام صادق ع می‌خوانیم: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ أَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمُكَ»؛ از حقیقت ایمان این است که گفتار از علمت فزون‌تر نباشد و بیش از آنچه می‌دانی نگوئی (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۱۶). در حدیث دیگری از پیامبر ص می‌خوانیم که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْكَذِبِ»؛ از گمان پرهیزید که گمان بدترین دروغ است (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۳۸).

۱-۲-۲. خیال پردازی

قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال پرداز) یاد می کند، که به جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محصول قوه وهم و خیال خود می چرخند و حقایق خدایی را نمی فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸): «و کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند، و تنها به پندارهایشان دل بسته اند» (بقره: ۷۸-۷۹)، و می گویند: «ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم» (مائده: ۱۸)، و «هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۸). انسان خیال زده در اصطلاح منطق، انسان شعری است و انسان عقلی نیست (ارسطو، ۱۳۸۰، ص ۶۹). او بخش اندیشه اش را به خیال و وهم می دهد و بخش انگیزه و نیروی اجرایی را به شهوت و غضب می سپارد. برای چنین انسانی بالاتر از وهم و خیال چیزی به نام قلب و عقل نیست؛ چراکه عقل و قلبش به تعبیر امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} تعطیل و در سبات (خواب) است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). انسان خیال یاف گرفتار تکاثر و دنیا طلبی می شود و بستر ایجاد قضاوت های ناکارآمد را در شناخت هایش پرورش می دهد، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال بافی کودکانه اش می ماند و حتی می میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۹۲)؛ درحالی که از نظر قرآن درخت دنیا همیشه شکوفه بی میوه است و هرگز شکوفه هایش به میوه تبدیل نمی شود، با این همه مردم دنبال این شکوفه ها و گل ها می روند و خیال می کنند که به میوه می رسند و زحمت بیهوده می کشند (کهف: ۴۶).

۱-۲-۳. برخورد گزینشی

آموزه های قرآنی، کفار را کسانی تبیین می کنند که حقیقت بر آنها پوشیده شده است و مبتلا به خطای شناختی هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰۵). در بیان مصداقی خطاهای شناختی کفار، برخورد گزینشی چند مرتبه به چشم می خورد (بقره: ۸۵؛ نساء: ۱۵۰؛ بقره: ۱۱۴). قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۵-۸۶). اولیای دین دائماً سعی داشتند انسان ها را از برخورد گزینشی در تفکر و تصمیم گیری برحذر دارند. در آیه دوم سوره انفال آمده است: «انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله و جلت قلوبهم»؛ مؤمنان آنهایی هستند که چون ذکری از خدا شود (از عظمت و جلال خدا) دل های آنان لرزان شود، و حضرت علی^{علیه السلام} ذیل آیه مذکور می فرماید: «آن چنان که امید داری بترس»؛ یعنی به قدر آنچه امید به رحمت و مغفرت خدا داری از نافرمانی و غضب حق تعالی بترس (آمدی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۶۲۳). هوس پرستان از شیوه «نُؤْمِنُ بَعْضُ وَ نَكْفُرُ بَعْضُ» بهره می گیرند آنچه

هماهنگ با هوس‌هایشان است می‌پذیرند و به آن ایمان دارند و آنچه را مخالف آن است طرد می‌کنند و نسبت به آن کافر می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸). طبرسی ذیل آیه، عامل انحراف یهودیان و مسیحیان را برخورد گزینشی در احکام شریعتشان معرفی کرده است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲۱). بنابراین از دیگر خطاهای شناختی تبیین‌شده در قرآن کریم، برخورد گزینشی است.

۴-۲-۱. تحریف حقایق

قرآن کریم طایفه‌ای از یهود را این‌طور توصیف نموده: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ آیا انتظار دارید به آیین شما (مسلمانان) ایمان بیاورند با اینکه عده‌ای از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند؛ درحالی‌که علم و آگاهی داشتند» (بقره: ۷۵)، که کلمات کتاب خدا را به اشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴)، آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را بر خلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهند، آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳). خطر این خطای شناختی را برای خواص (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۱۱) توجه ویژه‌ای می‌طلبد: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کتمان می‌کنید؛ درحالی‌که خود (به حقانیت آن) آگاهید (آل عمران: ۷۱). بعدها این روحیه تحریف حقایق، خود آنها را هم دچار تصمیم‌گیری غلط و قضاوت ناصحیح کرد؛ چراکه در ادامه آیه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ ... وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» می‌فرماید: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ...»، بعد از مدتی کتمان حقایق برایشان درونی‌سازی و روبه ثابت می‌شود و با میل و اختیار خود به خطای شناختی گرفتار می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۴).

۴-۲-۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی

قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم^ع در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمرود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸). از آیه به‌خوبی برمی‌آید که نمرود هرگز از این بحث و گفت‌وگو در جست‌وجوی حقیقت نبود، بلکه می‌خواست گفتار باطل خود را به کرسی بنشاند و شاید به‌کار بردن کلمه «حاج» نیز به همین منظور باشد؛ یعنی به دنبال اثبات حرف خود از قیاس و استدلال‌های نابجا بود؛ زیرا این کلمه غالباً در همین موارد به کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۸۷). امام صادق^ع به ابی‌حنیفه درباره قیاس مع‌الفارق در پژوهش‌های علمی هشدار داده و نهی کرده است (بحرانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۰).

جدول ۱-۱: مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم

۱. خرافه‌گرایی	مؤلفه ۱: شناخت خطا	مؤلفه‌های مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم
۲. سطحی‌نگری		
۳. ترس از غیر خدا		
۴. هرزباوری		
۵. جوپذیری		
۶. عجله و شتاب‌زدگی		
۷. سنت‌گرایی		
۸. روحیه خودبرتربینی		
۹. عناد و حق‌ناپذیری		
۱. پیروی از ظن و گمان	مؤلفه ۲: منطق فکری خطا	
۲. خیال‌پردازی		
۳. برخورد گزینشی		
۴. تحریف حقایق		
۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی		



شکل ۱-۱: نمایشگر مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم

یافته‌های کمی: روایی محتوا گروه خبرگان اسلامی (CVR و CVI)

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش برای ارزیابی روایی محتوایی، نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های استخراج‌شده، دریافت شد. بر این اساس، برای بررسی روایی محتوایی از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد. پس از نظرخواهی از خبرگان، برای محاسبه CVI در هر زیرمؤلفه، تعداد گزینه‌های «کاملاً مرتبط» و «مرتبط، اما نیاز به بازبینی» جمع و بر تعداد کل متخصصان تقسیم شد. نتایج در جدول (۱) گزارش شده است. برای تعیین CVR، پاسخ متخصصان طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{nE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

جدول ۱: نظرات کارشناسان خبره نسبت به میزان مطابقت هریک از زیرمؤلفه‌ها با مستندات اسلامی

CVI	CVR بر اساس نظر خبرگان اسلامی									یافته‌ها		
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	خرافه‌گرایی	مؤلفهٔ ۱: شناخت خطا	ردیف
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	سطحی‌نگری		۱
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	ترس از غیر خدا		۲
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	هرزباوری		۳
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	جوپذیری		۴
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	عجله و شتاب‌زدگی		۵
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	سنت‌گرایی		۶
۰/۸۸	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	روحیهٔ خودبرتربینی		۷
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	عناد و حق‌ناپذیری		۸

[illegible]

در این رابطه ne تعداد متخصصانی است که به گزینه «ضروری» پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است.

جدول ۲: میزان ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) در زیرمؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه	CVR
۱	شناخت خطا	۱
۲	منطق فکری خطاساز	۰/۷۸

بر اساس یافته‌های جدول بالا ضریب نسبی روایی محتوا CVR از ۹ نفر خبره در همه مؤلفه‌ها، بالاتر از مقدار محاسبه‌شده بر اساس جدول لاوشه است. این یافته بیانگر ضرورت گویه‌ها و حکایت از مناسبت بودن ضریب نسبی روایی محتواست.

بحث و نتیجه گیری

کلیه مکاتب روان‌شناسی در اینکه یکی از عوامل بروز بیماری‌های روانی، خطاهای شناختی و باورهای ناکارآمد و تفکرات اشتباه است، متفق‌القول‌اند (بک، ۱۹۹۷، ص ۲۴). بر اساس مستندات ارائه‌شده از آیات و روایات، یکی از مؤلفه‌های خطاهای شناختی در قرآن کریم، شناخت خطا به معنای معرفت خلاف واقع است. در ادبیات شناخت‌درمانی از این مسئله به استانداردهای غلط یاد شده است (بک، ۱۹۹۷، ص ۵۸). فرض‌های فکری آشفته‌کننده‌ای که برخی به آنها دچارند و به شکل وسواس‌ها، نگرانی‌ها، نشخوارهای ذهنی، دل‌مشغولی‌ها، خیال‌بافی‌ها و امثال آن نمود دارد و می‌تواند بر حالت روانی فرد اثرگذار باشد (برنز، ۲۰۱۰م، ص ۴۰).

قرآن کریم شناخت خطا را نتیجه هشت پیش فرض غلط توصیف می‌نماید که عبارت‌اند از: ۱. خرافه‌گرایی که آن را عامل رواج بدعت‌ها و افتراها در جامعه کفرپیشگان جاهلی معرفی می‌فرماید (مائده: ۱۰۳)؛ ۲. سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی را به دلیل امکان خطا در شناخت حسی و ایجاد خطاهای ادراکی آفت شناخت می‌داند (بہشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱-۳۵۱)؛ ۳. به اتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیر خدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند، این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشاند و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مٹاعی می‌شود؛ چون اطاعت غیر خدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶)؛ ۴. هرزباوری؛ امامان معصوم علیهم‌السلام نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سورة اسراء استناد می‌فرمودند (عروسی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰). انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنانچه امام جواد علیه‌السلام فرمودند: «کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارد، چنان است که او را می‌پرستد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴)؛ ۵. جویذیری به معنای پیروی از اکثریت در تصمیم‌گیری گمراه‌کننده است (انعام: ۱۱۶)، و در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم نباید برای انسان ملاک باشد و نباید تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶)؛ ۶. عجله و شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری؛ چراکه خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأذیب فرمود: یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سورة اعراف فرموده: «تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آن را تصدیق نکنند» (شتاب‌زدگی در تصدیق)؛ و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سورة یونس فرموده: «تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند آن را رد و نفی نکنند» (شتاب‌زدگی در انکار) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹)؛ ۷. سنت‌گرایی کورکورانه؛ قرآن کریم در آیات متعدد این آسیب و لغزشگاه اندیشه بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را توییح نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده‌اید، نپذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۰)؛ ۸. خودبرتربینی و عناد (حق‌ناپذیری) که خودبرتربینی معرفت را ناقص و قوه تفکر را ضعیف می‌کند (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۷۵، ص ۱۸۷).

بر اساس قرآن کریم، مؤلفه دوم خطاهای شناختی، منطق فکری خطاساز است که قضاوت‌های ناصحیح و قیاس‌های غیرمنطقی را برای انسان رقم می‌زند. در تأیید یافته‌های شناخت درمانگران که معتقدند خطاهایی در شیوه استدلال‌های ذهنی از پدیده‌ها و واقعیت‌ها وجود دارد که با پردازش غلط اطلاعات، به قضاوت‌های ناصحیح می‌رسد (بک، ۱۹۹۷، ص ۱۸۴). این منطق فکری خطاساز به شکل خود آیند، تصمیم‌گیری انسان را مخدوش و نابسامان می‌کند و دریافت‌ها و برداشت‌های خلاف واقع را در فرد ایجاد می‌کنند (بک، ۱۹۹۷، ص ۶۹).

مؤلفه دوم، نتیجه چهار ویژگی است که عبارت‌اند از: ۱. پیروی از ظن و گمان؛ حدس و تخمین (یونس: ۳۶) و پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳). این مسئله عامل آسیب‌های بزرگی برای فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۶). پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۱۶)؛ ۲. خیال‌پردازی؛ قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال‌پرداز) یاد می‌کند، که به جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محصول قوه وهم و خیال خود می‌چرخند و حقایق خدایی را نمی‌فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). انسان خیال‌باف گرفتار تکاثر و دنیاطلبی می‌شود، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال‌بافی کودکانه‌اش می‌ماند و حتی می‌میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۶۹)؛ ۳. برخورد گزینشی؛ قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۵-۸۶)؛ همچنین روایات انسان را از اینکه دائم‌الخوف یا دائم‌الرجاء بشود برحذر می‌دارند (آمدی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۶۲۳)؛ ۴. تحریف حقایق؛ گمراهان به‌ویژه خواص (آل عمران: ۷۱) در معرض این خطای شناختی‌اند که کلمات کتاب خدا را به آشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴). آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را بر خلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهند آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳). همه این خطاهای شناختی وقتی انسان را به ورطه نابودی می‌کشاند که دچار قیاس غیرمنطقی شود. قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم^ع در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمرود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸) و نمرود را دچار خطای شناختی معرفی می‌کند که با قیاس نابجا به بهت و سردرگمی رسید (بقره: ۲۵۸). به بیانی دیگر در یک جمله خداوند متعال نمرود را مبتلا به منطق فکری خطاساز معرفی می‌کند و ریشه این خطا را چند چیز معرفی می‌کند: ۱. اشاره به انگیزه اصلی این محاجه می‌کند (برخورد گزینشی از قدرت خود و نادیده گرفتن قدرت خداوند) و می‌گوید: به خاطر این بود که «أَنْ أَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكُ»؛ خداوند به او حکومت داده بود و بر اثر کمی ظرفیت از باده کبر و غرور، سرمست شده بود (خیال‌پردازی)؛ ۲. همچنین نمرود جبار، راه تزویر و سفسطه را پیش گرفت (تحریف حقایق) و برای اغفال مردم و اطرافیان خود گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم» و قانون حیات و مرگ در دست من است (قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ)؛ ۳. حضرت ابراهیم^ع برای خنثی کردن این توطئه، دست به (افشای قیاس نابجا) استدلال دیگری زد که دشمن نتواند در برابر ساده‌لوحان در مورد آن مغالطه کند: «ابراهیم گفت: خداوند خورشید را (از افق مشرق) می‌آورد (اگر تو راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی می‌باشی) خورشید را از طرف مغرب بیاور!»

(قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ). اینجا بود که «آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد» (فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ). بنابراین یک سلسله‌ای از منطق خطاساز در اندیشه و رفتار نمود بود که او را به قیاس نابجا و در نتیجه خطای شناختی کشاند.

به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌ها، مدل مفهومی خطای شناختی در قرآن کریم یک مدل دومرحله‌ای است؛ به این معنا که شناخت خطا یا معرفت خلاف واقع، بنیان فکری انسان را آلوده ساخته و ماده استدلال‌های او را مواد بی‌پایه و اساس تنظیم می‌کند. در مرحله دوم وقتی انسان تلاش به استدلال و تفکر می‌نماید - لاجرم باید از مفروضه‌ها و گزاره‌های تعریف‌شده در ذهنش استفاده کند - همان شناخت‌های خطا، انسان را دچار اختلال در استدلال و تفکر می‌نماید و انسان برداشت‌های ناروا و قضاوت‌های ناصحیح خود را صواب و درست می‌پندارد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیقات الیس (۱۹۷۳)، بک (۱۹۹۷)، پروچاسکا (۲۰۱۱)، حمیدپور (۱۳۹۷)، فتی و موتابی (۱۳۹۷) و چراغچی (۱۳۹۲) همسو بوده است. در تبیین یافته‌های این پژوهش به صورت متغیرهایی با تأثیر متقابل می‌توان گفت: «الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌سازد؛ ب) هرزباوری، جوپذیری و شتاب‌زدگی در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، منجر به برخورد گزینشی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) می‌شود؛ ج) سنت‌گرایی، خودبرتربینی و عناد - حق‌ناباوری در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه تحریف حقایق در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌آورد؛ د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قیاس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است».

منابع

نهج البلاغه.

ارسطو (۱۳۸۰). اخلاق. ترجمه رضا مشایخی. تهران: نگاه.

بحرانی، علی بن ابراهیم (۱۴۲۴ق)، البرهان. بیروت: دار الفکر الاسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۳۲ق). صحیح البخاری. قطیف: القطره.

برنز، دیوید (۲۰۱۰). از حال بد به حال خوب. ترجمه مریم سعیدی. تهران: ایران.

بک، جودیت اس. (۱۹۹۷م). شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن. ترجمه لادن فتی و فرهاد فرید حسینی. تهران: دانژه.

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸). حق و باطل از دیدگاه قرآن. قم: نمایش.

پروچاسکا (۲۰۱۱م). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: سمت.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۶ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دار المکتبه.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. قم: مدادالعلماء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

- چراغچی، حوریه (۱۳۹۲). بررسی تحریف‌های شناختی و باورهای غیرمنطقی در حوزه روان‌شناسی از منظر قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). وسائل الشیعه. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- حمزهای، شهرام (۱۳۸۰). آشنایی با ارسطو. تهران: کریم.
- حمیدپور، حسن (۱۳۹۷). شناخت‌درمانی برای بیماران مشکل‌آفرین. تهران: ارجمند.
- دلاور، علی (۱۳۸۶). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: ویرایش.
- رحیمی‌زاده، علی (۱۳۹۷). نقش شناخت در تکامل اختیاری انسان از منظر قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم قرآنی. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.*
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). منطق تفسیر. قم: پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- سمیعی، مجید (۱۳۸۶). خیال‌بافی ممنوع. تهران: دانژه.
- شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین‌فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی، ۸(۲)، ۵۱-۶۰.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). الخصال. قم: کنگره.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق). مکارم الأخلاق. قم: کریمه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۴۰). مجمع البحرین. تهران: چاپ احمد حسینی.
- عروسی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. بغداد: دارالمعرفة.
- غروی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۸۶). نگاهی به روان‌شناسی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتی، لادن و موتابی، فرشته (۱۳۹۷). راه و رسم درمانگری در نظریه شناختی رفتاری. تهران: دانژه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الفکر.
- فیض کاشانی، ملاحسن (۱۳۹۰). سه رساله. قم: تک تاج.
- قراحتی، محسن (۱۳۸۶). تفسیر نور. تهران: مرکز تحقیقاتی درس‌هایی از قرآن.
- لیهی، رابرت (۱۳۹۰). فنون شناخت‌درمانی. ترجمه لادن فتی. تهران: دانژه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۴). بحارالانوار. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.*
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). انسان کامل. قم: صدرا.
- معادی‌خواه، مجید (۱۳۷۸). تفسیر گفتاری. قم: ذره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.*
- وولف (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. ترجمه محسن ادیب و همکاران. تهران: بشری.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). روش علمی در شناخت علوم رفتاری. تهران: سمت.
- الیس، البرت (۱۹۷۳م). رفتاردرمانی عقلانی هیجانی. ترجمه حسن حمیدپور. تهران: روان.

Rozin, P. & Seligman, M. E. P. (1995). Cognitive components of fear: Expectations of clear and specific danger. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(3), 450-460.

Sternberg, R. (2003). A duplex theory of hate: Development & application to terrorism, massacres, & genocide. *Review of General Psychology*, 7, 299-328.